

گفت‌وگو

من «متأ» نبودم

اهالی تاتار از اصولگرا تا اصلاح‌طلب رو در روی مهاجمان قرار گرفته و بیابنه محکمی دادند. تا ندانند که جایی که آتش به‌عمد افروخته خاموش شد. می‌خواهم عرض کنم اگر اهالی هنر همسو و همراه باشند، هیچ قدرتی جلودارشان نیست. واقعا ش‌ان هنر بالاتر از وضع موجود است و باید بتوانند این شان را حفظ و تقویت کنند. یکی از دلایلی که آن سال‌ها حمایت کردیم که نهاد‌های صنفی و تشکل‌های مدنی هنر‌ها شکل بگیرند، همین اتفاق بود.

✚ خانه‌های سینما و تئاتر و موسیقی شکل گرفت به جز خانه تجسمی.

خانه هنرهای تجسمی در شاخه‌هایش هست، اما به معنای آنچه گفتید هنوز نیست. می‌شود گفت در خانه هنرمندان وجود دارند. در این خانه که به مثابه ستاد صنوف هنری است، هنرمندان نقاش، طراح و گرافیست و مجسمه‌ساز حضور دارند. بد نیست این را هم اشاره کنم که با آقای حسن شایان‌فر که نفر دوم کیهان بود، به‌واسطه یک دوست مشترک دو جلسه داشتیم. یک بار به دفتر ایشان در روزنامه کیهان رفتم و یک بار هم ایشان به دفتر معاونت هنری آمد. دوست مشترکمان هم بود. بحث‌های مفصلی با او داشتیم در اینکه نباید نگاه سیاسی و امنیتی به هنر داشت. هرکس از زاویه دید خودش می‌تواند از هنر برداشت جداگانه‌ای داشته باشد. هنر معاصر همین است. هنر کلاسیک مبتنی بر زیبایی‌شناسی است. اگر زیبا باشد، هنر است. اما امروز هر اثری می‌تواند هنر باشد.

✚ ضمن اینکه سبک شخصی داریم؛ چون آن‌قدر سرعت‌زمان و چرخش افکار زیاد است که هر هنرمند به‌مثابه یک سبک است و نمی‌شود مثل دوران سنتی به هنر نگاه کنیم. نتیجه صحبتان با هم چه بود؟

به او گفتم مثلا شما می‌گویید فلان نمایش یا هنرمند تئاتر دنبال براندازی است. هنرمند تئاتر چرا باید دنبال براندازی باشد آن هم به این صورت علنی. ذات تئاتر نقد است. بالاتر از آن، فرهنگ امروز را نقد می‌کند که به فردای بهتر برسد. اگر قرار بود فرهنگ در جا‌بزند این‌همه سبک‌ها و ادوار فرهنگی و هنری نداشتیم. شعر در مکتب خراسان، عراق، اصفهان یعنی تحول. اشاره کردم که هم‌اینک آهنگ «ای نسیم سحری صبر کن. ما را با خود ببر از کوچه‌ها» مرتب از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود. گفتم اگر قرار باشد نگاه امنیتی داشته باشید، این سرود هم می‌تواند نگاهش براندازی باشد. «آی» که می‌گوید یعنی دور است. نسیم سحر یعنی لیبرالیسم (با خنده) صبر کن یعنی ای لیبرالیسم صبر کن. «ما را با خود ببر از کوچه‌ها، یعنی ما را از این وضعیت دور کن. در حالی که این شعر شگفتی‌ا است که مدام پخش می‌شود. با نگاه شما خواننده و آهنگ‌ساز این سرود را باید اعدام کنند. لیبرالیسم را صدا می‌کنی، اینجا هم نب‌بست‌است. یعنی چه؟ اصلا نگاه غلط بود. دو جلسه مفصل صحبت کردیم. از چند نفر نام برد که اینها پیرونده‌شان زین غفلت است و اینها دنبال براندازی هستند. هرچه توضیح می‌دادم قبول نمی‌کرد. نهایتا قرار شد گفت‌وگو و تعامل داشته باشیم به تعبیری که بتوانیم شرایط و مقتضیات را شناسیم که البته من سال ۸۲ استعفا دادم؛ ولی نه او توجهی شد و نه من تغییر رویه دادم.

✚ شما یکی از کسانی بودید که حراج تهران را راه‌اندازی کردید. با توجه به انتقادها به حراج، چه هدفی داشتید و چقدر موفق بودید؟

کلا جریان برگزاری حراج با اکشن در جهان بی‌زینسی بالای ۶۰ میلیارد دلار در سال است. بنگاه حراج مثل کریستی‌گرشش مالی نزدیک به ۱۰ میلیارد پوندی دارد.

✚ چند درصد بودجه کشور ما؟

نصف نفت. یک کمیابی آن هم حراج است. البته حراج جواهرات، فرش، حتی هنر اسلامی هم دارد. از ۱۰ تاکنن هاوس (Auction house) معروف جهان، پنج تای آن چینی است. چین ظرف ۲۰ سال به این حوزه ورود کرده. حدود ۱۰ میلیارد دلار است که ۶۰ درصد حراج کریستیز مربوط به هنرهای تجسمی است؛ چون رویکرد حراج‌ها به سمت تابلوها و مجسمه‌هاست. گردش مالی حراج تهران به‌اضافه فروشی که گالری‌ها در ایران دارند و فروشی که از آثار ایران در بیرون صورت می‌گیرد حدس می‌زنم که ۵۰ میلیون دلار نمی‌شود. این را ۶۰ یا میلیارد مقایسه کنید.

✚ حتی حراج‌ها کوچک‌تر یا حراج کریستیز دویی؟

بله. سهم ایران از گردش مالی هنرهای تجسمی جهان، نزدیک به صفر است.

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های اقتصاد ایران در طول چند هزار سال آثار هنری بوده است. شاید بدانید ما در شهرهایمان بازارهای قیصریه داشته‌ایم که هنوز در اصفهان و قزوین فعال‌اند. بعضی شهرها کاروانسرای قیصریه داریم. چرا اما میراثور روم را بر این بازارها گذاشته‌اند؟

✚ یعنی همان چیزی که از دیگران می‌گرفتیم و مال خودمان می‌کردیم.

بله. یعنی ارتقای نفیس در این بازار عرضه می‌شد که بخشی تولید داخل بوده و بخشی هم واردات از خارج. از چین تا روم بوده. می‌خواهم بگویم موضوع اقتصاد هنر جدید نیست و ما را به تاریخ رجوع می‌دهد. ایرانیان در طول تاریخ و در جاده ابریشم کالاها و آثار نفیس و هنری مبادله می‌کرده‌اند. «بازار قیصریه» از نظر اندازه طولی کوتاه است اما عرض و ارتفاع بزرگ و تزئینات ظریف و عجیبی دارد. مثل بازار قیصریه اصفهان که پر از گالری بوده و در دوره صفویه در آنجا نقاشی‌های هندی هم خرید و فروش می‌شده‌است. بحث سوم اینکه به طوط متوسط ۲۵۰ هزار دانشجوی هنری داریم که احتمالا درصد بالایی از اینها در هنرهای تجسمی مشغول تحصیل هستند.

✚ چون تنوع بالایی دارد.

سالی حدود ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر فارغ‌التحصیل هنر داریم. بازار کار اینها کجاست؟ وضع تئاتر که مشخص است. اقتصاد سینما هم خیلی برررفق نیست. حدود ۱۵۰ گالری فعال داریم که حدودا ۱۰اتایی خیلی فعال هستند و سه‌تا هم بین‌المللی کار می‌کنند.

✚ خیلی کم است.

دقیقا. نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان رشته‌های هنری در بین کل فارغ‌التحصیلان در رتبه دوم است. حالا یک حراجی با مشقت راه‌اندازی شده که حمایت‌های دولت را نداشته است. من به‌شخصه ممنون‌دار دولت‌ها از سال ۹۱ تا الان هستم که اگر از حراج حمایت نکردی به نمی‌کنند. حداقل مانع هم نمی‌شوند. ولی چنین حراجی یک جریان مالی را سامان می‌دهد و طبیعی است که کفاف شاخص‌هایی را که اشاره کردم نمی‌دهد. الان سالی سه حراج در تهران برگزار می‌شود که ۵۰۰ میلیارد تومان گردش مالی دارد. چند هزار نقاش و مجسمه‌ساز و طراح از کجا باید ارتزاق کنند. به انتقادهای موجود حق می‌دهم اما دلایش این است که بازار کوچک است نه اینکه کم‌کاری شده باشد. دلیل دیگرش این است که به جهان وصل نیست. حتی در منطقه هم حضور پررنگی نداریم. در دویی گالری‌های بسیار فاخر و پرکاری فعال هستند. چه در البرکالد بده که معروف است یا در مرکز تجارت جهانی دویی فعال هستند. اما گالری‌های فوق‌العاده‌ای کار می‌کنند. هنرمندان ما آنجا هم خیلی کم حضور دارند که ناشی از مشکلات روابط بین‌المللی است. معتقدم اگر ان‌شاءالله تحریم‌ها برطرف و روابط خوب شود، می‌توانیم در بازارهای جهانی حاضر شویم. در داخل هم مهم‌تر است. حراج، برگزاری «آرت‌فر» (Art fair) است. رویدادی در شکل آرت‌فر نداریم. ظریف و وضعیت مطلوب را داریم ولی می‌توانیم موفق‌ترین حضور دارند که ناشی از مشکلات روابط بین‌المللی است. معتقدم اگر ان‌شاءالله تحریم‌ها برطرف و روابط خوب شود، می‌توانیم در بازارهای جهانی حاضر شویم. در داخل هم مهم‌تر است. حراج، برگزاری «آرت‌فر» (Art fair) است. رویدادی در شکل آرت‌فر نداریم. ظریف و وضعیت مطلوب را داریم ولی باید بپذیریم که این بازار در حد ظرفیت و میزان لازم نیست. «یک میز و چهل قلندر» است. امیدوارم در آینده با رفع مشکلاتی که این دولت هم درگیر آنهاست، از جمله بحران‌های اقتصادی، فرهنگ و هنر هم از تنگنایهای اقتصادی و مالی رها شوند و توسعه یابند تا بیش‌ازپیش شاهد اعتلای زیست فرهنگی و اقتصادی هنرمندان و جامعه باشیم.



گفت‌وگو با وحید آگاه، وکیل دادگستری، درباره حیطه اختیارات قانونی «ساترا»

بررسی حقوقی توقیف یک سریال نمایش خانگی

روپارویی سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر

فرآگیر یا همان «ساترا» با سبک‌ها و پلتفرم‌های شبکه نمایش خانگی، موضوعی ریشه‌دار است که مراتب و ابعاد مختلف این

روپارویی بارها از سوی وکلای حقوقی، مدیران و کارشناس سینمایی و هنرمندان فعال در این عرصه مورد بحث و نظر قرار گرفته است. در دولت سیزدهم موضوع نظرات‌های پیشینی و پسینی بر سریال‌های تولیدشده توسط پلتفرم‌های شبکه نمایش خانگی، مطابق با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی به این مجموعه واگذار شده است. حال آنکه «ساترا» خود به عنوان یکی از معاونت‌های سازمان

یک هنرمند زندانی در حال آزادشدن به صورت مشروط است یا در

صورت تعویق صدور حکم، فرد ممنوع‌الکار می‌شود. در مواردی نیز این مجازات جایگزین حبس است. اما همگی این موارد مربوط به زمانی است که یک هنرمند جرمی را مرتکب شده که مورد اثبات قرار گرفته و به مجازات قانونی محکوم شده باشد و با این توصیفات، در سیستم قضائی به حکم قطعی محکوم می‌شود. با این شرایط او می‌تواند تحت موازین قانونی ممنوع‌الکار شود و نام آن نیز ممنوع‌الکاری قضائی و قانونی است. اما سؤال این است که آیا کارگردان سریال «تاسیان» به جرمی محکوم شده است و آیا مجازات قطعی قضائی دارد؟ که به نظر می‌رسد پاسخ‌خ خیر است. بنابراین آن چیزی که به عنوان صیانت درخصوص کارگردان سریال «تاسیان» مطرح شد، مبنای قانونی ندارد و حقوق ایران از آن حمایت نمی‌کند.

✚ مطابق با اعلام خبرگزاری قوه قضائیه، دلیل توقیف انتشار سریال «تاسیان»، نداشتن مجوز تولید و پخش دانسته شد و این مرجع اعلام کرد ایرادهای وارده نیز باید اصلاح شود. با توجه به اینکه خبرهای مربوط به مراحل تولید و فیلم‌برداری اثر نیز نمایشی از مدت‌ها قبل مطرح شده است و همچنین تینا پاکروان، کارگردان این سریال، اعلام کرده به مدت ۱۷ ماه جلاستانی با ساترا برگزار شده و ممیزی‌های وارده در آن مقطع نیز مورد اصلاح قرار گرفته است، موضوع عدم صدور مجوز برای تولید و پخش این سریال تا چه اندازه مطابق واقعیت بوده و می‌تواند صحت داشته باشد؟

باید به این نکته توجه داشته باشیم که موضوع مورد بحث، مجموعه «ساترا» است که زیر نظر سازمان صداوسیما فعالیت می‌کند. ساترا یکی از معاونت‌های سازمان صداوسیما بوده و نهادهی به‌شمار می‌رود که زیرمجموعه سازمان صداوسیماست و موجودیت قانونی مستقلی ندارد. در حقوق ایران، «قانون» به عنوان مصوبه پارلمان و مصوبه مجلس شورای اسلامی مطرح است که تأییدیه شورای نگهبان را داشته باشد یا در موارد اختلاف، تصویب نهایی مجمع تشخیص مصلحت نظام گذشته باشد. قانونی با این وصف که در تنظیم مصولت نظام گذشته است و در رسیت شناخته شده باشد، در این خصوص وجود ندارد؛ مگر قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند که مصوب سال ۱۳۸۶ است. در ماده ۲ این قانون عنوان شده هرگونه فعالیت تجاری در زمینه تولید، توزیع، تکثیر و عرضه آثار، نوارها و لوح‌های فشرده صوتی و تصویری نیاز به اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارد و متخلفان به مجازات جزای نقدی محکوم می‌شوند. در این ماده به تولید، توزیع، تکثیر و عرضه آثار، نوارها و لوحای فشرده صوتی و تصویری اشاره شده است که در آن زمان نحوه و قالب عرضه آثار به این صورت بوده است. اما در این قانون در ماده ۱۰ عنوان شده که انتشار آثار مستهجن و مبتذل از طریق ارتباطات الکترونیکی و سایت‌های کامپیوتری یا وسیله و تکنیک مشابه دیگر از مصادیق تکثیر و انتشار محسوب شده و به مجازات مقرر در این قانون محکوم می‌شود. همچنین در ماده ۲ عنوان شده اگر می‌خواهید آثار صوتی و تصویری را تولید و توزیع کنید، هیچ مستند قانونی درخصوص اخذ مجوز از ساترا و صداوسیما در زمینه تولید و پخش وجود ندارد.

✚ با وجود مواردی که در آن‌مطرق قانونی مطرح کردید، ظاهرا ایرادی متوجه پخش سریال «تاسیان» نیست. درباره مشکل ایجادشده برای این مجموعه، ساترا یا قوه قضائیه به چه مواردی مطابق با قانون استناد می‌کنند؟

در این خصوص مصوبه‌ای در شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود دارد که ماده‌واحده تعیین الزامات سامان دهی حوزه صوت و تصویر فرآگیر نام دارد. در این ماده‌واحده متأسفانه گروه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت آقای رئیسی و شخص فرد وزیر، توافق را صورت داده‌اند و این موضوع با مشارکت اعضای وزارت فرهنگ تصویب شده است. در این ماده‌واحده عنوان شده است با هدف تقسیم‌کار و تفکیک مسئولیت‌های قانونی و حمایت از تقویت تولید محتوای ایرانی-اسلامی در حوزه فرهنگ و هنر در فضای مجازی، رفع دغدغه فعالان این حوزه، این مصوبه مورد تصویب قرار گرفته است. باید دید منظور در دغدغه فعالان این حوزه چیست و اینکه آیا اساسا نظام حقوقی ایران در کجا اجازه داده است دو نهاد حقوقی به نام «ساترا» و «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، قانون اساسی و قانون عادی را دور زده و در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تقسیم وظایف کنند. در حقوق ایران این موضوع به‌هیچ‌عنوان مطرح نیست.

برای مثال فرض کنید وزارت امور خارجه با وزارت دادگستری اختلافی پیدا کند و هر دو تصمیم بگیرند که موضوع تفکیک وظایف را مطرح کنند. در این شرایط قانون و موازین حقوقی نادیده گرفته می‌شود. در بند یک این مصوبه گفته شده است مسئولیت تنظیم‌گری، صدور مجوز و نظارت بر خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها، کتاب، تبلیغات، بازی‌های رایانه‌ای و مواردی که برای صداوسیما احتمالا جذابیتی نداشته است، در حوزه صوت و



صداوسیما به شمار می‌رود و در این زمینه می‌توان موارد بسیاری

محمدعرفان صدیق‌بان

قضائی «ساترا»، ادامه پخش سریال «تاسیان» (تینا پاکروان) پس

از عرضه سه قسمت و به دلیل عدم مجوز تولید و پخش با ممنوعیت مواجه شده و همین مسئله بار دیگر موضوع حیطه اختیار و وظایف این نهاد تنظیم‌گر، مطابق با اصل قانون اساسی را در کانون توجه قرار داده است. به همین بهانه و برای روشن‌شدن ابعاد مختلف این موضوع، با وحید آگاه، وکیل دادگستری و کارشناس حوزه حقوق فرهنگ، هنر و رسانه به گفت‌وگو نشستیم.

تصویر فرآگیر به وزارت فرهنگ محول شده است. مهم‌تر از همه اینکه به تفسیر شورای نگهبان درباره اصل ۱۴۴ و اصل ۱۷۵ قانون اساسی استاد شده و مطابق آن مسئولیت تنظیم‌گری، صدور مجوز، نظارت بر رسانه‌های فعال در عرصه صوت و تصویر فرآگیر شامل رسانه‌های کاربرمحور و ناشرمحور یا همان «وی‌اودی»‌ها نیز شبکه نمایش خانگی به‌ویژه تولید سریال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی و امثال آن، متأسفانه برعهده سازمان صداوسیما قرار گرفته است. در بند چهارم گفته شده است تولید و پخش زنده برنامه‌ها و صدور مجوز و نظارت بر پخش زنده در فضای مجازی در انحصار سازمان صداوسیما قرار دارد و برای ضوابط، مقررات و دستورالعمل‌های بند یک این ماده واحده تدابیری در نظر گرفته شده است که مطابق با آن، هیئتی از نمایندگان دو طرف باید حضور داشته باشند و دو نماینده از طرف وزارت فرهنگ در شورای صدور مجوز تولید و دو نماینده نیز از طرف ایشان در شورای صدور مجوز پخش خواهند بود و اگر اختلافی هم به وجود آمد، کارگروهی باید به این امر رسیدگی کند. محاصل مصوبه این است که شبکه نمایش خانگی و صدور مجوز تولید، نظارت و همه امور از وزارت فرهنگ خلع ید شده و جالب اینکه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خود نیز در این زمینه مشارکت داشته است و صلاحیت قانونی خود را به نهاد دیگری واگذار کرده است. در شرایط فعلی، ساترا با استناد به این مصوبه عنوان می‌کند که باید مجوز تولید و پخش از مجرای آن اخذ شود.

✚ در این شرایط آیا تنها با استناد به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، سبک‌های نمایش خانگی و تهیه‌کننده‌های آثار نمایشی ملزم به دریافت مجوز از سوی ساترا هستند یا خیر؟

اگر نظام قضائی بخواهد با یک مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، پلتفرم «فیلیمو» و تهیه‌کننده سریال «تاسیان» را مجبور به اخذ مجوز تولید پخش از «ساترا» کند، به نظر من این موضوع مبنای قانونی ندارد و برخلاف قانون اساسی و برخلاف قانون مصوب پارلمان عالی انقلاب فرهنگی یا مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی نمی‌توان جرم‌انگاری کرده و در دادسرا و دادگاه فردی را الزام کنیم؛ زیرا مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در بهترین حالت یک مقرره است و در نظام هنجاری و سلسله مراتب حقوق اساسی ایران، در ابتدا قانون اساسی مرجع بوده، سپس قوانین عادی و در نهایت مقررات مورد توجه قرار گرفته است. مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و بهترین حالت و بهترین وضعیت، مقرره به شمار می‌روند که ذیل قوانین اساسی قرار داشته و صدور مجوز تولید و پخش برای ساترا فاقد این وضعیت است. بنابراین اینکه «فیلیمو» یا تهیه‌کننده سریال «تاسیان» مجوز تولید و پخش دریافت نکرده‌اند مبنای قانونی نداشته است.

✚ به طور کلی آیا ساترا به عنوان یک نهاد نظارتی، مطابق با قانون می‌تواند باعث توقیف یک محصول نمایشی شود؟ در این زمینه خلا قانونی وجود ندارد؟

درباره صلاحیت ساترا درباره توقیف یک اثر نمایشی، مطابق با توضیحاتی که مطرح شد، صدور مجوز تولید و پخش از سوی آن قانونی نیست. ساترا به عنوان زیرمجموعه سازمان صداوسیما مانند همه شهروندان کشور اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی، می‌تواند درباره توقیف یک اثر نمایشی در زمینه صوت و تصویر

فرآگیر در فضای مجازی معترض باشد و در مرجع قضائی شکایت خود را ثبت کند. اگر گمان می‌کند جرم عمومی رخ داده است، می‌تواند به دادسرا گزارش دهد و اگر دادستان درستی این مقوله را تشخیص داد، خود طرح صادر می‌کند. در غیر این صورت، صا ساترا فکر می‌کند نیاز است یک سریال توقیف شود، باید در نظر گرفت که خود تا چه اندازه از این موضوع منتفع می‌شود و براساس نفع خود می‌تواند مانند همه شهروندان به نظام قضائی مراجعه کرده و در مقام شکایتی قرار بگیرد. این موضوع نیز تنها در شرایطی می‌تواند اتفاق بیفتد که عنوان کند یک اثر مبتذل یا مستهجن بوده و سپس می‌تواند طرح شکایت کرده یا به مدعی‌العموم گزارش دهد. در غیر این صورت بدون حکم قطعی قضائی، حق توقیف هیچ اثر نمایشی را ندارد.

خبر

دم مسیحایی موسیقی در دانشگاه تهران

سجاد محمدیان، موزیسین روزنامه‌نگار:

از هشتم تا یازدهم اسفندماه یعنی دقیقا یک هفته به مدد دم مسیحایی موسیقی، جشنواره‌ای به مناسبت نودمین سالگرد دانشگاه تهران با نام «فستیوال موسیقی دانشگاه تهران» برگزار شد. «فستیوال موسیقی دانشگاه تهران»، جشنواره‌ای مستقل از هر نهاد به همت دانشجویان با همکاری استادان دانشکده موسیقی هنرهای زیبا شکل گرفت که حیات واقعی و نه انتزاعی را به هنرهای زیبای دانشگاه تهران بازگرداند. حیات واقعی از این بابت که در یکی، دو دهه اخیر کمتر اجرایی شده این‌گونه با استقبال مخاطبان مواجه شده است که در این یک هفته شاهد آن بودیم. استقبال به حدی بود که علاقه‌مندان برای شنیدن و دیدن اجراها صف‌های طولانی می‌کشیدند و زمان‌های طولانی را در صف می‌ایستادند بلکه نتوانند نه روی صحنه بلکه در گوشه‌ای از سالن نشسته بر زمین یا حتی ایستاده، گوش جان به هنر هنرمندان بسپارند. استقبال در بعضی از اجراها به میزانی بود که بسیاری حتی راه به درون سالن هم نیاقتند و پشت درها ماندند. این استقبال حیرت‌آور مرا یاد خاطرات افرادی می‌اندازد که سال‌های اوایل انقلاب در دانشگاه تهران بودند که دانشجویها و علاقه‌مندان برای شنیدن موسیقی با اجرای استادانی همچون حسین علیزاده، محمدرضا لطفی، پرویز مشکاتیان و … که عموما از نوع انقلابی بود، این‌گونه پیروز و حرارت حضور پیدا می‌کردند. اما این بار داستان متفاوت بود؛ نه موسیقی‌ای که در این اجراها نواخته شد انقلابی بود و نه هنرمندانی که حضور یافتند مانند آن استادان شناخته‌شده بودند. اقبالی چنین آن‌هم به موسیقی جدی یا هنری را به‌رحه آشنش را در دست دارد بگذارد، اتفاقی درخور توجه و تأمل است که باید آن را به فال نیک گرفت و از آن استقبال کرد. دانشجویان موسیقی در این یک هفته نشان دادند که دانشگاه دانشکاه موسیقی را باز کنند و بگذارند فضای دانشگاه پیوسته بر از نوای موسیقی باشد، علاقه‌مندان برای حضور کم‌نستند و موسیقی جدی مخاطب دارد. این‌گونه نیست که مدام گفته می‌شود این نوع موسیقی‌ها بی‌مخاطب و موزه‌ای هستند و چه هست و چه نیست، بسترها را می‌فراموش کرد و امکانات را باید در اختیار گذاشت؛ آن‌وقت خواهیم دید چگونه هنر راه خود را پیدا خواهد کرد و در جامعه اثرگذار خواهد بود. باید به دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، مخصوصا در حوزه هنر، برای فعالیت فضا داد تا کار کنند و نامید نشوند. آنها فرهنگ‌سازان و پاسداران فرهنگ و هنر این کشور هستند که در شرایط و روزگاری که همه چیز پول است و اقتصاد و کمتر کسی به هنر توجهی دارد، با چنین شور و اشتیاقی به سوی موسیقی آمدند تا فرهنگ و هنر ایران‌زمین را بیاورزند و نشر دهند. چه کسی است که ندانند رفتن به سوی هنر در کشور ما نه از سوی خانواده‌ها و نه جامعه، تشویق و حمایت نمی‌شود و اتفاقا به دلیل شرایط نامناسب اقتصادی، علاقه‌مندان همیشه بر حذر داشته شدند، اما این افراد به همه این حرف‌ها و صحبت‌ها پشت پا استند و زدن و گام در مسیری دشوار گذاشتند. اکنون وقت حمایت است؛ درها را بازکنید و سالن‌ها را بکشایید که به قول سعدی علیه‌الرحمه: «صبا گر چاره داری وقت، وقت است».

یادداشت

منافع دیپلماسی فعال برای عربستان سعودی

ریاض، مذاکره با ایران را به جای حمایت از حملات پیش‌دستانه به تاسیسات هسته‌ای ایران ترجیح می‌دهد. از سوی دیگر، دونالد ترامپ نیز برای مقابله با فعالیت‌های نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیا‌هو، جلوگیری از تشدید تنش‌ها با ایران، یافتن شرکایی برای مشارکت در بازسازی غزه و همچنین برای تأثیرگذاری در اوپک و تنظیم قیمت نفت به عربستان سعودی نیاز دارد. فراموش نکنیم که چهل‌وهفتمین رئیس‌جمهور آمریکا در ژانویه گذشته به ریاض دستور داد تا تولید خود را تعدیل کند تا درآمدهای روسیه کاهش یابد و آنها را به مذاکره برای صلح در اوکراین ترغیب کند. در نهایت، در یک فضای بین‌المللی بسیار بی ثبات، محمد بن سلمان به خوبی بر اصول واقع‌گرای سیاسی تسلط دارد و با دوری از ملاحظات اخلاقی، به بهترین شکل ممکن منافع پادشاهی خود را تأمین می‌کند.